

هویت مهاجران چالشی بلاتکلیف در آغاز گام دوم انقلاب

یکی از پرونده‌های مهمی که در گام دوم انقلاب پیش روی ماست، مسأله مهاجرین است. اگر گام دوم، حرکت از «ملت» به «امت» است، ما اقوام گوناگونی داریم که هرکدام خودشان را ایرانی تعریف می‌کنند، از کرد، بلوچ و عرب گرفته تا دیگران؛ یعنی به ملت تبدیل شده‌ایم، اما در زمینه شهروندانی که ذیل این چهارچوب سیاسی رایج تعریف نمی‌شوند، باید بگوییم موفق نبوده‌ایم. در واقع برای تثبیت مفهوم ملت در ابعاد ایران، از سازگار «دولت-ملت» استفاده کرده‌ایم و موفق بوده، ولی چون به سازگار لازم برای نقش «آمتی» هنوز دست نیافته‌ایم، عملاً این هدف در ابعاد جهانی و بین‌المللی رها شده باقی مانده است. یعنی مهاجر افغانستانی یا عراقی که داخل ایران زندگی می‌کند، نمی‌داند اهل کجاست و هویتش چیست. نسل‌های بعدی این مهاجران که به میزان بیشتری با این مشکل هویتی مواجه‌اند. چون از طرفی ما به او اجازه بروز هویت افغانستانی ندادیم و از طرف دیگر نیز، نپذیرفته‌ایم که ایرانی است و به عبارتی او را معلق نگه داشته‌ایم و خب این وضعیت پیچیدگی‌های خاص خود را ایجاد کرده است.

این یکی از چالش‌های تئوریک ماست و درباره این موضوع بسیار کم گفت‌وگو شده و کم ادبیات تولید شده است؛ لذا تا وقتی این مسأله به لحاظ نظری حل نشود، حتی اگر نسخه‌هایی برای سازماندهی مسأله مهاجرین، مثل ایجاد سازمان مهاجرت هم به سرانجام برسد، باز هم مسائل مهاجرین به سرانجام نخواهد رسید؛ چون این ریشه مسأله کماکان پابرجاست و هنوز حل نشده است. در عمق مسأله همین بس که بدانید در یکسال اخیر که ما در زمینه مهاجرین تمرکز کردیم، با بعضی از ارکان دستگاه‌های تصمیم‌گیر حوزه مهاجرین صحبت کردیم تا ببینیم مسأله و درگیری این نهادها چیست و چه مسأله‌ای ذهنشان را درگیر کرده است. اما با یک عملکرد کجدار و مریز مواجه شدیم که از یک طرف می‌گویند: گواهینامه نمی‌دهیم، باز کمی جلوتر می‌گویند: نه، گواهینامه بدهیم! یا مثلاً کارت بانکی می‌دهند و بعد کارت بانکی همه مهاجرین را قطع می‌کنند! اینها ناشی از غلبه مؤلفه‌های عملگرایانه روی تصمیمات مجریان و مسئولین مرتبط است که جلوتر به این مسأله خواهیم پرداخت.

پیوند عمیق ما و همسایگان

سرنوشت و وضعیت ما با کشورهای همسایه‌مان به صورت پویا به هم گره خورده است؛ لذا اگر قضیه مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران را بررسی کنیم، عوامل مهاجرت کاملاً تابع شرایط روز است. چه از افغانستان به ایران، چه در برگشت‌هایی که بعضاً از ایران به افغانستان بوده است. یعنی مثلاً در افغانستان جنگ شده است و به یکباره مثلاً یکی دو میلیون نفر به ایران کوچ کردند. ماسه موج مهاجرت اصلی داریم: یکی جنگ شوروی است که تقریباً در سال ۱۳۵۸ ما اتفاق می‌افتد و تا ۱۳۶۵ ادامه دارد و یک موج چند میلیونی در آن زمان به ایران مهاجرت می‌کنند و بسیاری از مهاجرین فعلی در ایران، اولین بار در دهه شصت به ایران آمده‌اند. موج دوم، با شروع جریان طالبان اتفاق افتاده است و حدوداً از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ بوده است. موج سوم هم اخیراً و پس از قدرت‌گیری مجدد طالبان در ۲۰۲۱-۲۰۲۲ اتفاق افتاده است.

جالب اینجاست که موج‌های برگشتی هم به افغانستان وجود دارد که مثلاً ۲۰۱۸ و با شدت

مهاجر افغانستانی
که در ایران زندگی
می‌کند، نمی‌داند
اهل کجاست و
هویتش چیست!
چون از طرفی ما به
او اجازه بروز هویت
افغانستانی ندادیم
و از طرف دیگر نیز،
نپذیرفته‌ایم که
ایرانی است و به
عبارتی او را معلق
نگه داشته‌ایم